



اینجا خاوران است....

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۹۳ - ۱۵ شهریور ۱۳۸۹

بدون شک این جنایت کم سابقه که در خدمت حفظ نظام بحران زده سرمایه داری وابسته ایران و تداوم منافع دولتهای امپریالیستی برای سرکوب انقلاب صورت گرفت، ضربه ای محکم و دردناک به جنبش آزادیخواهانه مردم ما وارد کرد. اما دژخیمان حاکم برغم نمایش اوج قساوت خویش به هیچ رو نتوانستند جریان دائم مبارزه بر علیه ظلم و استثمار را از حرکت باز ایستانند و آوای چندش آور جغد سکون و مرگ را بر جنگل همیشه سرسبز مبارزات مردم میهن ما حاکم گردانند. بذری که از آرمانهای والای حق طلبانه مردم ما با خون پاک قربانیان سرفراز این جنایت در سراسر خاک فلات ملتبه کاشته و آبیاری شد بسیار زود جوانه زد و نسل جدیدی از مبارزین با فریاد آزادیخواهی و دمکراسی در مقابل استثمارگران و دیکتاتوری آنها صف کشیدند. بتدریج موج سهمگین تری از شورش و طغیان، کارخانه ها، شهر ها و روستاها را درنوردید و بالاخره در سی امین سالگرد به قدرت رسیدن جلادان، آتش خشم و نفرت نسل دیگری از جوانان پایه های پوسیده دستگاه ظلم و جنایت جمهوری اسلامی را تکانی عظیم داد و تداوم گر فریاد آزادیخواهی نسل به خون خفته دهه ۶۰ شد.



به یاد آن تابستان خونین!

در سالگرد این جنایت هولناک، یاد تمامی زنان و مردانی را یاد بداریم که در سخت ترین لحظات زندگی کوتاهشان، راه افتخار و جاودانگی را برگزیدند و جلاد را در حسرت خرد شدن اراده مبارزاتی خویش ناکام گذاردند. یاد تمامی نوجوانان پرشوری را زنده داریم که با قلبهایی پر امید، گرچه، تنششان به چوبه های دار "آونگ" شد ولی "سر خصم" را با پایداریهایشان به "سنگ" کوفتند؛ یاد مادران و پدران مقاوم و دلیری را پاس داریم که برغم تمامی تحقیرها و سرکوبها، هیچگاه جگر گوشگان دلیر در بند خود را تنها نگذاشتند و با الهام از آنها بیرون زندان را نیز به عرصه ای برای مبارزه و افشای چهره منفور جلاد بدل کردند.

جنبش انقلابی مردم محروم ما در سال ۶۷ با خون هزاران تن از رفقا، برادران، خواهران، و پدران و مادران و فرزندان ما بهای عظیمی را برای رسیدن به آرمانهای خود پرداخت، اما نفس گرم و جانبخش پیکر مجروح آن هیچگاه به شماره نیفتاد و پیکر روین تن آن دوباره با فریادهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر اصل ولایت فقیه" در مقابل دژخیم قد علم کرد.

اکنون که بیست و دو سال از آن جنایت تاریخی می گذرد، نگاهی تاریخی به آن چه که در این مدت اتفاق افتاد نشان می دهد که مرتجعین در نیل به اهداف خود شکست خورده اند. چرخ حرکت تاریخ را سر باز ایستادن نیست و هیچ طبقه استثمارگری در طول تاریخ برغم هر جنایتی که برای حفظ دستگاه ظلم و استثمار خود در مقابل ستمکشانش مرتکب شده، نتوانسته عمر جاودانی پیدا کند؛ برعکس، کشتار سال ۶۷ و خیزش عظیم توده ها در سال ۸۸ دونقطه دور از هم ولی ممتد از یک خط سرخ را به نمایش گذاردند که در مسیر ۲۲ ساله خود نوشته است: "هر آن که باد بکارد طوفان درو خواهد کرد" و جنایاتی نظیر قتل عام سال ۶۷ دیر بازود با انقلابی توده ای که ریشه این نظام ارتجاعی و استثمار گر را نشانه گرفته پاسخ شایسته خود را خواهد گرفت.

شهریور ماه امسال مقارن با بیست و دومین سالگرد یکی از وحشیانه ترین جنایات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر علیه کارگران و توده های تحت ستم ماست. بیست و دو سال پیش در چنین ایامی سردمداران جمهوری اسلامی که حکومتشان پس از سالها عریده های "جنگ جنگ تا پیروزی" در فضاخت ناشی از چگونگی پایان جنگ غوطه می خورد، پس از سرکشیدن جام زهر توسط خمینی جلاد و قبول قطعنامه آتش بس، به قتل عام هزاران تن از زندانیان سیاسی مبارز و کمونیست کمر بست. رژیم با این اقدام سبوعانه در آن مقطع کوشید که معضل وجود هزاران زندانی سیاسی در سياهچالهایش را با پاک کردن صورت مساله، باصطلاح حل کند. به این ترتیب مزدوران جمهوری اسلامی با براه انداختن یک حمام خون، نسلی از دوست داشتنی ترین جوانان و نوجوانان مبارز و انقلابی ما، یعنی ماهی های سياه کوچولویی را که اکثریت شان تحت تاثیر پیکار کمونیستهای فدایی و سایر مبارزین دهه ۵۰ به سیاست و مبارزه روی آورده بودند را از بین بردند. آنها به فرمان خمینی جلاد در همه جا بساط مرگ افکندند و با قصابی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ جنایات دهه ۶۰ خود را به کمال رساندند.

- تحریکات دولت دست راستی کانادا بر علیه پناهندگان تامیلی! صفحه ۲
- در باره تبلیغات حکومت برای "جذب" ایرانیان خارج کشور! صفحه ۲
- گداهایی با مدرک لیسانس! صفحه ۴



تحریکات دولت دست راستی کانادا

بر علیه پناهندگان تامیلی!



را زندانی ومورد بازجوئی قرار داده و برخی از آنها را هم به عنوان احتمال مبتلا بودن به بیماری سل به بیمارستان فرستادند.

مقامات کانادایی جهت منتسب نمودن این پناهجویان به "بیر های تامیل" ادعا کردند که برخی از آنها نفری ۵۰ هزار دلار به قاچاقچی ها پرداخت کرده اند. و مقامات سفارت سریلانکا در کانادا که از هر موقعیتی برای تبلیغ بر علیه پناهندگان استفاده می کنند نیز فوراً ادعا کردند که این پول ها مستقیماً به جیب "بیرهای تامیل" سرزیر خواهند شد. "چیترانگانی واگیسوارا" کاردار سفارت سریلانکا در کانادا نیز فرصت را مغتنم شمرد و به عوامفریبی پرداخته و دولت کانادا را به دلیل دادن اجازه ورود به کشتی مزبور مورد سرزنش قرار داد و گفت که "فاچان انسان کاری غیرقانونی است."

این نماینده رژیم فاسد و جنایتکار سریلانکا با قاطی کردن مسئله "فاچاق انسان" و "حقوق پناهجویان" تلاش نمود تا دولت کانادا از پذیرش پناهندگان مزبور خود داری کرده و وظیفه قانونی اش درقبال پناهندگان را زیر پا بگذارد. گویا کشته و زخمی شدن هزاران غیرنظامی تامیل در حملات نظامی وحشیانه و جنایت آمیز ارتش سریلانکا به منطقه تامیل کافی نبوده و این جانیان عطش خود به خون مردم دردمند تامیل را با آواره کردن و به کشتن دادن بازماندگان قربانیان آن حمله نظامی نیز فرو می نشانند.

وضعیت غیرقابل تحملی که در کشتی مزبور وجود داشت و دشواری های فیزیکی و روانی که سرنشینان آن در سفر دریایی بسیار طولانی و فوق العاده دشوار خود تحمل کردند، نشان می دهد که این زنان و مردان دردمند و کودکان بی گناهیشان در چه شرایط درد ناکی بسر می بردند که برای فرار از آن و برای زنده ماندن مجبور به تن دادن به چنین سفرخطرناک و چنین شرایطی بس دشواری داده اند.

در طول ۲۶ سال جنگ داخلی در سریلانکا، مردم این کشور متحمل رنج و دردهای بسیاری شدند. بسیاری از آنها اجباراً به کشورهای مختلف پناهنده شده اند. و ساکنین کشور هنوز در دست رژیمی بسیار سرکوبگر و دیکتاتور و وابسته به امپریالیسم اسیر هستند. اما از آنجا که این رژیم با کمک اربابان امپریالیست خود در سال گذشته نیروهای مسلح "بیرهای تامیل" را بطور وحشیانه سرکوب نموده است ، سازمان ملل در گزارش اخیر خود اعلام کرده که از آنجا که پس از شکست "بیرهای تامیل" جنگ داخلی به پایان رسیده، شهروندان تامیل نمی توانند به دلیل "فرار از جنگ" از مزایای پناهندگی بهره مند شوند.

از طرف دیگر، دولت کانادا برخی از تامیل های شهروند کانادا را که افراد خانواده اشان با کشتی مزبور وارد کانادا شده اند را به جرم کمک مالی به "تروریست ها" (با این ادعا که بیرهای تامیل مسئول سازماندهی این ماجرا هستند) به دادگاه کشانده است. مقامات دولتی و رسانه های وابسته به آن تلاش کردند که ورود پناهنده های تامیلی را یک خطر بزرگ امنیتی جلوه دهند و بر این اساس تغییراتی اساسی در قوانین پناهندگی کانادا بدهند بطوریکه به راحتی بتوانند از ورود افراد ناخواسته جلوگیری به عمل آورند. به عنوان مثال "ویک تاوژ" وزیر امنیت ملی کانادا بارها در رسانه های جمعی این کشور اعلام کرد که "باید قوانین کشور را برای جلوگیری از ورود این افراد تقویت کنیم."

با ورود یک کشتی تایلندی به آبهای کانادا که حامل ۴۹۳ پناهجوی تامیلی بود ، دولت دست راستی این کشور برای اینکه مجبور به پذیرش این افراد به مثابه پناهنده نشود تبلیغات وسیعی را بر علیه این پناهجویان و اساساً همه پناهجویان و پناهندگان شروع نمود. در ابتدا تبلیغات دولتی کوشید ورود این افراد به خاک کانادا را خطر شدیدی بر علیه امنیت این کشور جلوه دهد به این منظور تبلیغات دولتی مدعی شد سفر این پناهندگان توسط "بیرهای تامیل" و به قصد تقویت مالی این تشکیلات و جهت فرستادن تروریست به داخل کانادا سازماندهی شده است. در گام بعد، این تبلیغات تلاش نمود آنها را "پناهنده تقلبی" معرفی کرده و به جای نامیدن آنها با نام اصلی شان یعنی پناهجو بلافاصله آنها توسط دولت کانادا "آدم های کشتی" نام نهاده شدند. تبلیغات ضد پناهندگی دولت کانادا به اینها بسنده نکرده و سپس به این ترفند توسل جست که "آدم های کشتی" حامل بیماری سل می باشند که ممکن است سلامت جامعه را به خطر اندازد.

در تقابل با این تبلیغات دروغین گروه های مدافع پناهندگان بلافاصله دست به اقدام زده و فعالیت هایی را برای خنثی کردن تحریکات دولت کانادا و رسانه های دست راستی سازمان دادند. به عنوان مثال در پاسخ به ادعاهای دولت (در رابطه با نقش بیرهای تامیل به عنوان قاچاقچی) مدافعین پناهندگی اعلام کردند که حتی اگر کسی می خواهد قاچاقچیان را تحت تعقیب قانونی قرار دهد، این مسئله نباید تأثیری بر حقوق دموکراتیک و برحق انسانهای متقاضی پناهندگی بگذارد. پس از چند روز، این استدلال سر زبان اکثر جامعه افتاد و مردم کانادا (که مدتی پیش خشونت وحشیانه پلیس کانادا را در جریان نشست جی-۲۰ تجربه کرده اند) نشان دادند که دولت این کشور به این آسانی نمیتواند با چنین تشبثاتی آنها را فریب دهد.

سرانجام تحت فشار افکار عمومی کشتی ۵۹ متری تایلندی در ساعت شش و نیم صبح روز ۱۳ آگوست در حالیکه توسط ۲ یدک کش نیروی دریایی کانادا اسکورت میشد، وارد بندر "ونکوور" کانادا شد. و چون دولت کانادا قبلاً از احتمال آلوده بودن برخی از سرنشینان کشتی به بیماری سل خبر داده بود ، مأمورین کانادایی پیش از وارد شدن به کشتی خود را مجهز به ماسک ها و دستکش های بهداشتی کرده و وارد کشتی شدند.

با اینکه طبق قوانین کانادا، دولت باید فرصتی برای متقاضیان فراهم آورد که آنها بتوانند در شرایط امن و آسوده ای حقانیت تقاضای پناهندگی خود را ثابت کننداما ماموران دولتی پناهجویان



سرمایه گذاری و سود رسانی برای طبقه سرمایه دار کانادا نیستند. در نتیجه دولت کانادا قصد دارد که برای سد راه ورود پناهندگان فقیر و تهی دست، قانونی را به تصویب برساند که هر کسی که از طرق غیرقانونی وارد کانادا شود حق تقاضای پناهندگی را از دست خواهد داد.

در حالیکه هر عقل سلیمی می داند که بسیاری از کسانی که از نظر تعاریف پناهندگی، پناهنده واقعی محسوب میشوند کسانی هستند که توسط رژیم های دیکتاتور تحت تعقیب هستند و قادر به تهیه پاسپورت و مسافرت از طرق قانونی نیستند.

رسانه های دست راستی نیز در تلاش برای ایجاد جو ارتجاعی ضدپناهنده و ضدتامیل با دولت همکاری کردند و حتی از دولت خواستند که مانند دولت استرالیا، ناوگان های خود را برای شکار کشتی های حامل پناهندگان به دریا بفرستد و از هیچ کوششی جهت جلوگیری از ورود آنها خودداری نکند.

هدف دولت امپریالیستی و مدافع طبقه سرمایه دار حاکم بر کانادا از ایجاد جو تعصبات وطن پرستی های نژادپرستانه، از یکطرف توجیهی برای گسترش قدرت دولتی سرکوبگر در این کشور، و از طرف دیگر منحرف کردن خشم و ناامیدی اقتصادی-اجتماعی طبقات محروم کانادا و کانالیزه کردن این خشم به مسیر های ارتجاعی است. بر این اساس همه نیروهای انقلابی باید وسیعاً با این تشبثات به مقابله برخیزند.



در حالیکه در سالهای اخیر کشور کانادا به بهشتی برای جنایتکارانی مانند مسئولین رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده که سرمایه های افسانه ای را وارد این کشور کرده اند و دست در دست سرمایه داران کانادایی به غارت دسترنج زحمتکشان مشغولند. اگر واقعاً دولت کانادا قصد داشت که جلوی ورود "توریست" ها به کانادا را بگیرد، باید راه را بر سران جمهوری اسلامی و مزدوران ریز و درشتش که فوج فوج به این کشور سرازیر می شوند، می بست.

اما منظور دولت کانادا از "توریست"، مردم دردمندی است که برای نجات جانیشان فرار کرده اند و آهی در بساط ندارند و قادر به

در باره تبلیغات حکومت برای "جذب" ایرانیان خارج کشور!

اخیراً مقامات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی یکبار دیگر با تبلیغات دروغین خود ایرانیان خارج از کشور را خطاب قرار داده و دام تازه ای را برای "جذب" آنان پهن کرده اند. دیکتاتوری حاکم که در بحران ناشی از پروژه اتمی خود غوطه می خورد و در این رابطه با موجی از تحریمهای بین المللی روبرو شده، اخیراً به تلاشهای وسیعی برای بزک کردن چهره جنایتکار خود مشغول شده است و سعی در جذب سرمایه های ایرانیان خارج از کشور میکند که بنا به برخی از گزارشات حجم آن به ۱۰۰۰ میلیارد دلار می رسد.

در همین رابطه مقامات حکومت با ادعای تلاش برای سازمان دادن "پروژه های مشترک" با ایرانیان "متخصص" خارج از کشور، از زبان دبیر کل شورای عالی ایرانیان خارج از کشور که شخصی به نام "ملک زاده" می باشد، به آنها "اطمینان" می دهند که در صورت بازگشت به ایران به منظور "برگزاری کارگاه های آموزشی و کارهای علمی و تخصصی"، "مشکلی" برای "وجود" آنها در ایران بوجود نخواهد آمد. البته دم خروس به سرعت از زیر عیای این مقام رژیم بیرون زده و او بلافاصله در پاسخ سوالی مبنی بر اینکه "آیا تضمینی است که اگر ایرانیان مقیم خارج از کشور که در هنگام خروج از ایران مشکل سیاسی داشتند به ایران بیایند مشکلی برای آنها بوجود نیاید" پاسخ داده است: **"من به عنوان دبیر کل شورای عالی ایرانیان خارج از کشور می گویم که کسانی که می خواهند در کشور در زمینه امور علمی و تخصصی فعالیت کنند مشکلی برای آنها وجود ندارد، اما در عین حال نهادها و سازمان های دیگری در کشور وجود دارند که آنها هم باید وظایف خود را انجام دهند."**

بدون شک هر عقل سلیمی با توجه به این اظهارات می فهمد که "دعوت" سران رژیم از ایرانیان خارج از کشور یک "اما"ی بزرگ دارد و اگر کسی با مشکل سیاسی (بخوان مخالفتی حتی هر چند کوچک با نظام استثمارگرانه حاکم) در طول سه دهه گذشته ایران را ترک کرده در صورت بازگشت باید اول از صافی "نهادها و سازمان های دیگر" یعنی وزارت اطلاعات و سایر نهادهای رنگارنگ امنیتی جمهوری اسلامی بگذرد! واقعیتی که نشان می دهد دیکتاتوری حاکم تحت هیچ شرایطی و در هیچ زمانی امر کنترل و تعقیب و پیگرد مخالفان نظام را "فراموش" نخواهد کرد و آنها را از "خود" تلقی نخواهد کرد!

جالب این جاست که این اظهارات در اوضاع و احوالی ادا می شوند که جمهوری اسلامی با برپایی یک گردهمایی بسیار مجلل در ماه گذشته در ایران و دعوت از هزاران ایرانی مقیم خارج کشور کوشید تا آنها را ترغیب به بازگشت به کشور و کار و فعالیت در چارچوب دیکتاتوری حاکم کند. اما برغم ریخت و پاشهای فراوان از جیب زحمتکشان و صرف بیش از ۸۰ میلیارد تومان (به گزارش کیهان رژیم) "همایش وسیع" ایرانیان خارج کشور به علت عدم استقبال و عدم اعتماد به وعده های حکومت با فضاخت و شکست به پایان رسید.

اظهارات اخیر مقامات حکومت و برگزاری "همایش های" وسیع و ... نشان می دهد که سیاست محوری رژیم جمهوری اسلامی در ارتباط با برخورد و جذب ایرانیان خارج کشور، کوچکترین تغییر مهمی نکرده و در بر همان پاشنه سابق می چرخد. میلیونها ایرانی مهاجر و تبعیدی برای رژیمی که اساساً در برخورد به شهروندان خود و خواسته های آنها حربه ای جز اعمال دیکتاتوری و اختناق نمی شناسد، همیشه و در همه حال منبع یک خطر بالقوه "امنیتی" هستند که در صورت تمایل به بازگشت و خدمت به نظام حاکم، نخست باید از زیر کنترل و چنگالهای خونین دستگاه های امنیتی رژیم گذر کنند.



گداهایی با مدرک لیسانس!



یکی از پدیده های تنفر انگیزی که در زیر سایه حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی بر ابعاد آن در جامعه تحت سلطه ما اضافه شده گسترش بی سابقه فقر و فلاکت و گرسنگی در میان آحاد زحمتکش جامعه و رشد چشمگیر تعداد متکدیان در شهر ها و روستاهای مملکت است. به شکلی که امروزه غیر ممکن است که برای انجام یک کار کوچک از خانه خارج شد و در جریان یک سفر بسیار کوتاه برای حل و فصل کارهای روزمره در خیابانها با تعداد بسیار زیادی از زنان و مردان و جوانان و کودکان بسیار خردی روبرو نشد که خسته و بی سرپناه و گرسنه برای سیر کردن شکم خود مجبور به شکلی از گدایی و تکدی گری گشته اند. اما اخیرا ادعاهای یکی از مقامات بیشرم شهرداری تهران در مورد متکدیان، بار دیگر گوشه ای از ابعاد این پدیده دردناک اجتماعی را به نمایش گذارده و عمق اوضاع وخیم و فاجعه باری را به نمایش

گذارده که حاکمیت نظام سرمایه داری در ایران و سیاستهای ضد خلقی جمهوری اسلامی موجب آن شده اند. در این رابطه صادق اوالی یکی از مسئولان شهرداری تهران اخیرا اعتراف کرده که بعضی از افرادی که در تهران گدایی می کنند، مدارک تحصیلی بالای کارشناسی دارند" و "در میان متکدیان"، "افرادی با تحصیلات دانشگاهی بالاتر از لیسانس" هم پیدا می شوند.

این اظهارات در شرایطی عنوان شده که به گزارش سایر مقامات شهرداری رژیم در تهران، مامورین سرکوبگر جمهوری اسلامی روزانه بیش از "۳۰۰ متکدی" را از سطح شهر جمع آوری می کنند. البته مقامات حکومت برای پوشاندن نقش کربه نظام استثمارگرانه و رژیم سرکوبگرشان در گسترش بی سابقه فقر و گدایی سعی کرده اند تعداد متکدیان و عملکرد آنها را به "مافیا" و "شبکه های مافیایی" نسبت دهند. و به همین خاطر از زبان اوالی ادعا می کنند که " شبکه ای مافیایی" گدایی در تهران را اداره می کند و به همین خاطر "زمانی که خودروهای ویژه جمع آوری متکدیان در معابر شهر تردد می کنند متکدیان با استفاده از پیامک یکدیگر را مطلع می کنند و در یک چشم به هم زدن خیابان خالی از متکدی می شود".

اما کیست که نداند وجود هزاران گدا در شرایطی که بیش از نیمی از آحاد جامعه به اعتراف خود مقامات حکومت در زیر خط فقر زندگی می کنند و ابعاد بیکاری در برخی استانهای کشور نظیر لرستان به ۴۰ درصد بالغ می شود و روزی نیست که خبر بیکاری ده ها و صدها تن از کارگران زحمتکش در گوشه و کنار کشور منتشر نشود، در سطح خیابانها به هیچ وجه امر دور از انتظاری نیست. از وجود جوانانی تحصیل کرده ای صحبت می شود که حال در خیابان های تهران به تکدی گری مشغولند. آنها جوانانی بوده اند که با کوشش فراوان و در شرایط فقر و محرومیت خانواده با هزاران امید و آرزو برای تامین یک زندگی شرافتمندانه سالها درس خوانده اند، ولی پس از پایان تحصیل خود را با هیولای بیکاری مواجه می بینند که فقر و گرسنگی ذاتی آن می باشد. به راستی برای زندگی و زنده ماندن چه راه هائی در مقابل این جوانان قرار دارد؟ در شرایط گسترش بیکاری و فقر و گرسنگی است که بعضی از آن جانان متأسفانه به گدائی روی آورده اند.

فقر و بیکاری و به موازات آن بی خانمانی و گرسنگی و تکدی گری نتیجه بلاواسطه حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته و سیاستهای ضد خلقی جمهوری اسلامی ست که هیچ هم و غمی بجز تشدید غارت و استثمار توده ها و پر کردن جیب سرمایه داران زالو صفت وابسته ندارد. اما گسترش بی سابقه فقر و گرسنگی و تکدی گری، به نوبه خود یکی از علایم پوسیدگی و پایان عمر نظامی ست که تداوم حکومت نفرت بارش تنها نتیجه اعمال روزمره سرکوب و دیکتاتوری می باشد، و دور نیست روزی که خشم و نفرت متراکم شده گرسنگان و محرومان با انفجار خود، کلیت دستگاه ستم و استثمار حاکم را به مثابه عامل اصلی فقر و محرومیت خود برای همیشه نابود سازد.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfq@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

